

## روابط مسکو - تل آویو و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه

احمد رشیدی<sup>۱</sup>

رضا اختیاری امیری<sup>۲</sup>

جواد شفقت‌نیا<sup>۳</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

### چکیده

روسیه و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، پیوندهای عمیق تاریخی دارند. نقش مهم روسیه در تحولات بین‌المللی به‌ویژه بحران سوریه، رژیم صهیونیستی را به گسترش روابط با روسیه واداشته است. فارغ از عوامل و انگیزه‌های شکل‌دهنده نزدیکی روسیه و رژیم صهیونیستی، سطح مناسبات دیپلماتیک فعلی بین آنها بیانگر وجود روابط شبه‌راهبردی بین مسکو - تل آویو است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از شرکای مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه در منطقه مطرح است و سیاست روسیه در غرب آسیا و مداخله نظامی در بحران سوریه، همکاری دو کشور را افزایش داده است. با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، این سؤال مطرح می‌شود که راهبردی شدن روابط مسکو و تل آویو چه تأثیری بر منافع و پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در سوریه داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال در پژوهش حاضر مورد آزمون قرار گرفته این است که مناسبات گسترده و راهبردی مسکو و تل آویو و جایگاه مهم رژیم صهیونیستی در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه باعث شده است تا روسیه موانعی در راه پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سوریه ایجاد کند. روش تحقیق در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است و به‌منظور تحلیل علمی و نظری مسئله پژوهش از نظریه موازنه قوا در چارچوب مکتب نواقع‌گرایی بهره گرفته شده است.

### کلید واژه‌ها

روسیه؛ جمهوری اسلامی ایران؛ بحران سوریه؛ رژیم صهیونیستی؛ موازنه قدرت

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

a.rashidi@umz.ac.ir

مازندران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازنداران

r.ekhtiari@umz.ac.ir

javad.sh.28968@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازنداران

## مقدمه

روسیه و رژیم صهیونیستی به‌رغم برخی اختلافات و تعارضات در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه و تأکید بر منافع مشترک، به تعمیق روابط دوجانبه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی پرداختند. تحولات عربی در غرب آسیا و تحریم‌های امریکا علیه روسیه، افق‌های جدیدی را در روابط روسیه و رژیم صهیونیستی گشود. جایگاه رژیم صهیونیستی در حل و فصل اختلافات روسیه و امریکا و نقش فرمانطقه‌ای روسیه در تضمین امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا، موجب توسعه همکاری و نزدیکی مسکو - تل‌آویو شده است؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر سطح مناسبات عالی دیپلماتیک، توافقنامه‌های جدید اقتصادی و نظامی در سطح کلان و خرد و حمایت گسترده روسیه از امنیت ملی رژیم صهیونیستی در بحران‌های غرب آسیا، بیانگر وجود روابط در حد راهبردی بین مسکو - تل‌آویو است. توسعه فزاینده روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در حالی است که جمهوری اسلامی ایران یکی از شرکای مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی روسیه در منطقه است. با تشدید بحران‌های عربی در غرب آسیا و بازگشت روسیه در نقش قدرت اوراسیایی در بحران سوریه، تحولی در همکاری نظامی و امنیتی دو کشور ایران و روسیه ایجاد کرد که افزایش سطح روابط دیپلماتیک دو کشور در سال‌های اخیر را به‌دنبال داشت.

تقویت جایگاه سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه و تثبیت دولت بشاراسد به کاتالیزور تهدید امنیت ملی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. تشدید تنش‌ها بین نیروهای ایرانی و رژیم صهیونیستی در سوریه، روابط روسیه با رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران را مورد آزمون قرار داد. از یک طرف، نقش جمهوری اسلامی ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، همکاری نظامی و امنیتی دو کشور در بحران سوریه را افزایش داده است و از طرف دیگر وجود منافع و مصالح مشترک، سطح روابط رژیم صهیونیستی و روسیه را از سطح عادی به سمت راهبردی سوق داده است. لذا به‌نظر می‌رسد هرگونه همکاری و هماهنگی روسیه با جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا به‌ویژه در بحران سوریه، تحت تأثیر روابط روسیه و رژیم صهیونیستی است؛ به‌گونه‌ای که تلاش‌های رژیم صهیونیستی در حفظ و توسعه همکاری با روسیه، در جهت محدود و محاصره کردن جمهوری اسلامی ایران در

سوریه است. براین اساس؛ این سؤال مطرح می‌شود که روابط راهبردی مسکو و تل آویو تاکنون چگونه منافع و پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در سوریه را تحت تأثیر قرار داده است؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفته عبارت از این است که مناسبات گسترده و راهبردی مسکو و تل آویو و جایگاه مهم رژیم صهیونیستی در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه باعث شده است تا یکسری دشواری‌ها یا محدودیت‌هایی در فراروی پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سوریه ایجاد شود.

روش تحقیق در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است که از طریق مراجعه به آرشیو مراکز علمی و همچنین شبکه جهانی اینترنت انجام شده است. به منظور تحلیل علمی و واکاوی نظری پژوهش از نظریه موازنه قوا در چارچوب مکتب نواقع‌گرایی بهره گرفته شده است. هرچند پیرامون سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در سوریه و نیز موضوع روابط روسیه و رژیم صهیونیستی به‌طور جداگانه تاکنون چندین مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است، اما هیچ منبعی تمرکز کامل خود را بر موضوع روابط روسیه و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر تحركات جمهوری اسلامی ایران در سوریه نگذاشته است. لذا مقاله حاضر در تلاش است تا خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی به سهم خود پرکند.

### چارچوب نظری

#### موازنه قوا

هر طرح پژوهشی برای دستیابی به پاسخ سؤال‌ها و آزمون فرضیه‌ها، نیازمند پشتوانه نظری است. بر همین مبنا و باتوجه به موضوع پژوهش، نظریه موازنه قوا در مکتب نواقع‌گرایی جهت تبیین و تحلیل موضوع مورد استفاده قرار گرفته است. نواقع‌گرایی که بر بنیان مفروضه‌های واقع‌گرایی کلاسیک شکل گرفته است، تأکید زیادی بر مؤلفه موازنه قوا در سیاست دولت‌ها دارد. این امر ناشی از تأکید نظریه‌پردازان نواقع‌گرا بر موضوع قدرت و امنیت است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و عدم شکل‌گیری تحركات موازنه‌ساز بین‌المللی قدرت‌های بزرگ

در قبال امریکا، چالش‌هایی را برای نظریه‌های موازنه قوا<sup>۱</sup> ایجاد کرد. با وجود این چالش‌ها، اندیشمندان نواقع‌گرا از جمله «کنث والتز»، «جان میرشایمر آ» و «استفان والت»<sup>۲</sup> به ارائه نظریات تکمیلی موازنه قوا دست زدند تا با واقعیات نظام بین‌المللی سازگاری داشته باشد (سیمبر و صالحیان، ۱۳۹۵: ۳۶ - ۳۵) و در این چارچوب موضوع رقابت بازیگران برای قدرت و امنیت را در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دادند (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

«والتز» استدلال می‌کند که سیاست بین‌الملل در کلیت خود، دفع قدرت است و دولت‌ها به توازن قوا در مقابل هم روی می‌آورند (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). براساس نظریه «والتز»، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است. اگرچه وی به سرشت انسان و دولت در شکل‌گیری جنگ و صلح توجه دارد، اما محور اصلی چنین فرایندی را ناشی از چگونگی توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی به رقابت می‌پردازند (والتز، ۱۳۸۲: ۸۷).

از منظر «والتز» دولت‌ها از فعالیت‌های یکدیگر نسخه‌برداری می‌کنند و آنچه که تفاوت میان دولت‌ها است توزیع توانمندی‌ها است که عامل تعیین‌کننده در تأمین امنیت است (Waltz, 1979: 76). نظام «آنارشیک»<sup>۳</sup> در میزان همکاری و توافقیات‌های مربوط به تسلیحات و صلاحیت‌های سازمان‌های بین‌المللی محدودیت ایجاد می‌کند؛ زیرا ممکن است زمینه را برای وابستگی آنها فراهم کند، لذا دولت‌ها در همکاری با احتیاط عمل کرده و به دنبال سود نسبی هستند (Griffiths, 1992: 83). از منظر «والتز»، دولت‌ها در «آنارشی» به «همراهی» و «دنباله‌روی» روی نمی‌آورند، بلکه موازنه ایجاد می‌کنند. دنباله‌روی از قدرت دیگران، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، همواره یک تهدید است؛ چراکه هیچ حکومتی وجود ندارد که برای محافظت از خود بتوان به آن اتکا کرد. لذا دولت‌های ضعیف در سطح داخلی با تخصیص منابع جدید برای

- 
1. Balance of Power Theory
  2. Kenneth Waltz
  3. John Mearsheimer
  4. Stephan Walt
  5. Anarchic System

تأمین امنیت ملی و در سطح خارجی از طریق اتحادهای و سایر توافق‌های رسمی و غیررسمی به موازنه‌سازی روی آورده تا مخاطرات و تهدیدات را کاهش دهند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹).

«استفان والت» یکی از دانشجویان برجسته «والترز»، باتأکید بر مفروضات نو واقع‌گویی بر اهمیت موازنه تهدید تأکید داشت. به نظر وی، دولت‌ها در برابر تمامی توانمندی‌های خارجی دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه در برابر تهدیدات (که هم بر حسب نیت‌ها و هم توانمندی‌ها تعریف می‌شود) موازنه‌سازی می‌کنند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). به عبارت دیگر، آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی تحت عنوان توازن قوا مطرح بوده در عرصه عملی، توازن تهدید می‌باشد. در واقع، کشورها نه درمقابل قدرت بلکه درمقابل تهدید دست به توازن می‌زنند. یعنی کشورها تلاش دارند تا با ایجاد توازن در مقابل کشورهای تهدیدکننده، زمینه‌های لازم برای ایجاد ثبات، امنیت و تعادل را فراهم آورند. این امر، به این معناست که هرگونه تغییر در معادله قدرت بازیگران که منجر به افزایش قدرت آنان در محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی شود، برای سایر بازیگران تهدید محسوب می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷).

بنابراین، از منظر «والت»، آنچه که در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است، برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هریک از آنها. دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که موجودیت یا منافع آنها را تهدید می‌کنند، دست به موازنه می‌زنند. امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

«والت» و «والترز» باتأکید بر رفتار تدافعی دولت‌ها، بر راهبردهای موازنه توجه کم‌تری داشتند. ولی «میرشایمر» تمرکز خود را بر رفتار و راهبرد موازنه قرار داده است و از موازنه و موازنه‌سازی به عنوان یک رویکرد رفتاری سخن به میان می‌آورد (چگینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). «میرشایمر» مدعی است که دولت‌ها با محیط بین‌المللی نامعینی روبه‌رو هستند که در آن هر دولت ممکن است از قدرت خود برای صدمه‌زدن به دیگران استفاده کند. امنیت ایجاد می‌کند که در برابر دیگر دولت‌ها تاحدممکن قدرت بیشتری به دست آورند. از نظر وی، اولویت امنیت به ترتیب دست‌یافتن به قدرت جهانی و منطقه‌ای است. در غیر این صورت دولت‌ها می‌کوشند

هم ثروت و هم توانایی نظامی خودشان را برای نبرد در جنگ‌های زمینی بیشینه سازند. برای دستیابی به منابع قدرت، دولت‌ها به جنگ، اخاذی، به‌جان‌هم‌انداختن دولت‌ها و درگیرساختن رقبا در ستیزهای طولانی متوسل می‌شوند. قدرت‌ها سعی در جلوگیری از توسعه‌طلبی دیگر دولت‌ها دارند. لذا می‌کوشند طرف ثالثی را برای غلبه‌کردن بر این تهدید، اغوا کنند یا خودشان در برابر آن تهدید، توازی ایجاد کنند (گریفیتس، ۱۳۹۱: ۶۲ - ۶۰).

به عقیده «میرشایمر»، در نظام بین‌الملل، قدرت جهانی امکان‌پذیر نمی‌باشد و از این‌رو دستیابی به مناطق حساس و راهبردی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی کشورها می‌باشد. هژمونی در این مناطق، موجبات هژمونی در مناطق دیگر را فراهم می‌سازد و در همین راستا موازنه منطقه‌ای مهم‌ترین راهکار احتمالی تلقی می‌شود. از نظر وی، فشارهای سامانه‌ای منطقه‌ای ممکن است برای جلوگیری از ظهور یک هژمون منطقه‌ای کافی نباشند. اینجاست که نقش یک موازنه‌گر فرامنطقه‌ای بسیار اهمیت می‌یابد (چگینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۵۷ - ۲۳۶). در این ارتباط، قدرت‌های بزرگ می‌توانند یکی از اصلی‌ترین نیروهای تأثیرگذار در توازن منطقه‌ای باشند. این امر انعکاس نشانه‌هایی محسوب می‌شود که قدرت‌های بزرگ در کنترل محیط، حوادث، منابع و بازیگران منطقه‌ای ایفا می‌کنند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

باتوجه به مفروضات فوق، در یک جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که هریک از نظریه‌های موازنه قوای نواقع‌گرایانه در عین کارآمد بودن در شرایط حاضر، قابلیت تبیینی و توضیحی کاملی از الگوهای رفتاری در سیاست بین‌الملل را ندارند. نظام بین‌الملل شاهد الگوهای رفتاری متنوعی، مرکب از الگوی همکاری‌جویانه تا الگوی منازعه‌آمیز، از سوی هریک از بازیگران برای ایجاد موازنه قدرت است. لذا رهیافت‌های گوناگون نواقع‌گرایی مانند نواقع‌گرایی تدافعی «استفان والت» و تهاجمی «جان مرشایمر» هم‌زمان مورد توجه بازیگران و تحلیلگران است. بر این اساس، ما برآنیم تا در این مقاله تلفیقی از نظریه‌های موازنه قوای نواقع‌گرایانه اندیشمندانی همچون «والترز»، «الت» و «میرشایمر» را به‌کار ببندیم.

بنابراین می‌توان بیان داشت، ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد، وقوع بحران‌های اخیر در غرب آسیا و تشدید نظم هرج‌ومرج در منطقه، روسیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران را به موازنه‌سازی در برابر قدرت و تهدیدات دیگران واداشته است. اگر بنا را بر

فهم روابط ازنظر «کنت والتز» و «استفان والت» بگذاریم، افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران و حضور نظامی‌اش در بحران سوریه، موجبات بیم و تهدید را برای رژیم صهیونیستی فراهم آورده است. از این رو، رژیم صهیونیستی در جهت موازنه‌سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، تهدیدات ناشی از حضور امریکا در تحولات غرب آسیا به‌ویژه بحران سوریه، برای جمهوری اسلامی ایران و روسیه، باعث قرارگرفتن این دو کشور در یک محور و ائتلاف به‌منظور موازنه‌سازی در برابر محور رقیب به رهبری امریکا شده است. همچنین، در قالب منطق نظری «میرشایمر»، ساختارهای هژمون منطقه‌ای اهمیت داشته و از این رو رفتار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و روسیه و عکس‌العمل‌های آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین رابطه، رقابت رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران جهت دستیابی به هژمونی در منطقه غرب آسیا، تاکنون زمینه سیاست موازنه‌سازی از سوی روسیه را فراهم کرده تا از ظهور یک هژمون منطقه‌ای جلوگیری کند. اهمیت موازنه‌سازی در منطقه غرب آسیا به‌حدی است که هر زمان موازنه قدرت در منطقه دچار دگرگونی شود، زمینه برای شکل‌گیری منازعه و جنگ فراهم می‌شود. اما واقعیت این است که رویکرد روسیه برای ایجاد موازنه قدرت در منطقه به‌ویژه در سوریه، محدودیت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده و سبب شده است تا این کشور در راستای دستیابی به اهداف خود با دشواری‌هایی مواجه شود. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است تا در چارچوب نظریات موازنه قوا در مکتب نوافق‌گرایی، به تبیین و تحلیل روابط مسکو - تل آویو و دشواری‌های جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد منافع و اهداف خود در سوریه بپردازد.

#### روابط روسیه و رژیم صهیونیستی از گذشته تا کنون

اتحاد جماهیر شوروی سابق نقش مهمی در برپایی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و مشروعیت‌بخشیدن به موجودیت آن ایفا کرده است. «لنین» بنیان‌گذار اتحاد جماهیر شوروی قبل از انقلاب «بلشویک»، مخالف تشکیل دولت یهود بود و «صهیونیسم» را به‌عنوان یک «ایدئولوژی» خصمانه ارتجاعی تلقی می‌کرد (Kazan, 2004: 220)، اما بعدها حضور گسترده یهودیان و نقش مهم آنها در انقلاب روسیه، باعث سکوت لنین نسبت به اعلامیه «بالفور» شد و

از دفاع از فلسطینی‌ها پرهیز نمود. علاوه بر این، وی به مهاجرت عظیم یهودیان روسی تبار به رژیم صهیونیستی عکس‌العملی نشان نداد و بدین‌صورت در فراهم‌کردن زمینه برای تشکیل دولت یهودی مشارکت نمود (پیرزاد، ۱۳۹۴: ۲۷). در حال حاضر، یهودیان روس تبار سهم بزرگی در مناصب مدیریتی رژیم صهیونیستی دارند. تقریباً تمام رهبران ارشد رژیم صهیونیستی در طول دوره حیات خود در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی حضور داشتند و فرهنگ سیاسی روسیه تأثیر زیادی بر جنبش صهیونیسم گذاشت (اپیشانا و سلیمانوف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۸۸).

«استالین» با ایجاد منطقه‌ای در روسیه به نام «بیروجان» برای یهودیان، به مقابله با ایدئولوژی صهیونیسم پرداخت، اما در طول جنگ جهانی دوم اندیشه ضد یهودیت از بین رفت و ۴۵۰ هزار نفر از یهودیان شوروی در ارتش سرخ جنگیدند و در بهار سال ۱۹۴۵ ارتش شوروی بیشترین اردوگاه‌های نازی را آزاد کرد و بسیاری از یهودیان را از مرگ نجات داد. با پایان جنگ جهانی دوم، کرملین از ایجاد یک دولت مستقل یهودی حمایت کرد و شبکه‌هایی را برای کمک به جوامع یهودی اروپای شرقی به منظور مهاجرت به فلسطین از طریق ایران ایجاد کرد. در آن زمان مسکو اعتقاد داشت که ایجاد یک دولت یهودی سوسیالیستی، موقعیت انگلیس را در غرب آسیا تضعیف می‌کند. با این حال، استالین به تخریب فرهنگ یهودیان پرداخت و با قتل شاعران و نویسندگان برجسته یهود، روابط دو دولت تضعیف شد و در ۱۲ فوریه ۱۹۵۳ با انفجاری در ساختمان دیپلماتیک شوروی در تل‌آویو، بهانه قطع روابط فراهم شد (Kazoux, 2008: 2). روابط دو دولت در سال ۱۹۵۶ مجدداً برقرار گردید، اما با وقوع جنگ بین اعراب و رژیم صهیونیستی، شوروی در سال ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک خود را با رژیم صهیونیستی قطع کرد و به گسترش روابط و ارسال تسلیحات و مشاوران نظامی به کشورهای عربی پرداخت (Remez & Ginor, 2017: 337).

با ورود «گورباچف» به کرملین، روابط اتحاد جماهیر شوروی و رژیم صهیونیستی رو به بهبودی نهاد. با اجرای سیاست «گلاس نوست» و «تفکر جدید»، فرصت‌های جدیدی برای مهاجرت یهودیان از اتحاد جماهیر شوروی به رژیم صهیونیستی فراهم شد (کولای، ۱۳۸۱: ۱۵ - ۱۴). با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و روی کار آمدن «بوریس یلتسین» در روسیه، این

1. эпштейна & сулейманов



نگرش و تلاش برای بهبود روابط با رژیم صهیونیستی و غرب تداوم پیدا کرد. «یلتسین» توجهی نسبت به مسائل غرب آسیا نداشت و تمام وقت و نیروی خود را صرف تحکیم مبانی قدرت خویش و به دست آوردن تأیید غرب به ویژه امریکا می کرد. در این دوره، نمایندگان رده بالای روسیه و رژیم صهیونیستی به طور مداوم ملاقات‌هایی با یکدیگر داشتند. علی‌رغم انتقادات پارلمان روسیه از سیاست‌های نگاه به غرب، «یلتسین» تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود روابط روسیه و رژیم صهیونیستی انجام داد (رابرت فریدمن، ۱۳۷۵: ۶۹ - ۶۶).

با انتخاب «پوتین» به ریاست جمهوری روسیه، اقداماتی در جهت بازیابی جایگاه بین‌المللی روسیه صورت گرفت. «پوتین» با شناسایی رژیم صهیونیستی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با آن پرداخت. این موضوع زمینه‌ای برای روسیه فراهم کرد که خود را جایگزین غرب در روند صلح غرب آسیا معرفی کند و به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه ظاهر شود (أحمدحمام، ۲۰۱۷).

در سال ۲۰۰۵، «پوتین» به طور رسمی به اورشلیم سفر کرد و تندیس یهودیان کشته شده در «هلوکاست» را به نمایش گذاشت. در دوران ریاست جمهوری «مدودف» و «پوتین»، نخست وزیران رژیم صهیونیستی به طور مکرر از مسکو بازدید کردند و مسائل ایران، فلسطین و سوریه محور این دیدارها بوده است (رمان، ۲۰۱۷: ۴ - ۳).

به طور کلی می توان بیان داشت که روابط روسیه و رژیم صهیونیستی، به ویژه در طول یک دهه اخیر، متأثر از الزامات منطقه‌ای و رقابت‌های بین‌المللی بوده است. به عبارتی، با توجه به تغییر رویکرد روسیه و اولویت یافتن منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی این کشور، کرملین بر این امر تأکید دارد که ایجاد ثبات و امنیت در منطقه بدون توجه به جایگاه و موقعیت رژیم صهیونیستی امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، رهبران روسیه اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی در عرصه نظام بین‌الملل به ویژه در رقابت با امریکا قائلند. به این دلیل که رژیم صهیونیستی و لابی‌های قدرتمند یهودی از یک سو می‌توانند نقش مهمی در روند سیاست‌گذاری‌های امریکا و سازمان‌های بین‌المللی در قبال مسکو ایفا کرده و از سوی دیگر از این ظرفیت برخوردارند تا روابط روسیه و غرب را در صورت نیاز تلطیف نمایند و یا از

فشارهای غرب بر کرملین بکاهند. جایگاه و قدرت نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تاکنون نقش مهمی در تقویت مناسبات کرملین و تل‌آویو داشته است.

#### محورهای راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی

دولت‌ها در نظام بین‌الملل در جهت حفظ منافع و امنیت خود، با یافتن منافع مشترک و روابط نزدیک با قدرت‌های بزرگ، به موازنه‌سازی روی آورده تا تهدیدات را کاهش دهند و زمینه را برای راهبردی شدن روابط فراهم کنند. در این خصوص، رژیم صهیونیستی با وجود حضور در جبهه مخالف روسیه، در ابعاد مختلف به توسعه روابط با این کشور پرداخته و بدین ترتیب زمینه را برای گسترش روابط از سطح عادی به سطح روابط راهبردی فراهم کرده است.

#### روابط فرهنگی و اجتماعی

مهاجرت یهودیان روس تبار، از اهداف مهم رژیم صهیونیستی طی دهه‌های گذشته بوده و تلاش‌های زیادی در این خصوص توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت‌های بهتری را برای مهاجرت یهودیان روسی فراهم کرد، به گونه‌ای که تا سال ۱۹۹۲، ۵۷۴۰۰ نفر مهندس، ۱۲۶۰۰ پزشک، ۱۲۲۰۰ پرستار، ۹۰۰۰ دانشمند و ۲۵۰۰۰ آموزگار به سرزمین‌های اشغالی رفتند که این افراد به نوبه خود در روند نزدیکی روسیه و رژیم صهیونیستی، در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند (کولایی، ۱۳۸۱: ۳۰). بر همین مناسبت که اکنون زبان روسی در نهادهای دولتی رژیم صهیونیستی استفاده شده و به عنوان زبان سوم در مدارس تدریس می‌شود. همچنین، دانش‌آموزان مهاجر روسی تبار به زبان روسی امتحان می‌دهند و نوعی اجبار برای معلمان در جهت یادگیری زبان روسی وجود دارد (Moshkova, 2018: 387-388).

در حال حاضر، جمعیت روس تبار بیش از ۱۵ درصد از رأی دهندگان رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند و دست‌کم توانایی تعیین سرنوشت ۱۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی را دارند. همچنین مهاجرت یهودیان روس تبار به سرزمین‌های اشغالی، باعث احاطه «الیگارش‌ی» روسی بر مناصب مدیریتی رژیم صهیونیستی شده است، به گونه‌ای که ریشه‌های خانواده بسیاری از نخست وزیران رژیم صهیونیستی تا به امروز در قلمرو امپراتوری سابق روسیه قرار دارد و نگرش

مثبتی را میان نخبگان سیاسی در تعامل با روسیه به وجود آورده است. علاوه بر این، نخبگان سیاسی روسیه بر روابط تاریخی و فرهنگی بین دو ملت تأکید دارند و «پوتین» از زمان تصدی قدرت، خود را به عنوان محافظ اقلیت یهودی در روسیه و کل اروپا معرفی کرده است و اقدامات فرهنگی در جهت نزدیکی روسیه و رژیم صهیونیستی نظیر افتتاح بزرگترین موزه یهودی جهان در مسکو و دیدار از مراسم «هولوکاست» انجام داده است. علاوه بر نخبگان سیاسی، در نظرسنجی مردمی مرکز مطالعات «سؤالا»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۷، حدود ۵۷ درصد از جامعه روس به رژیم صهیونیستی نگرش مثبت دارند (Averbukn & Klein, 2018: 2).

همکاری روسیه و رژیم صهیونیستی در زمینه‌های علمی و آموزش و پرورش نیز در حال گسترش است. توافقنامه‌های میان دانشگاه دولتی مسکو و دانشگاه «سنت پترزبورگ» با دانشگاه تل آویو صورت گرفته است. همچنین همکاری‌های دوجانبه در خصوص برپایی نمایشگاه و تورها صورت می‌گیرد (آژانس خبرگزاری بین المللی روسیه، با تلفظ روسی ریانوویستی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹).

روسیه و رژیم صهیونیستی در ۲۰ مارس ۲۰۰۸ به لغو ویزا برای سفر اتباع دو دولت مبادرت کردند. لغو ویزا، حس اعتماد و همکاری همه‌جانبه را میان مسکو و تل آویو تقویت کرد. رژیم صهیونیستی را در میان ۳۰ مقصد محبوب گردشگری جهان برای گردشگران روس قرار دارد. سالانه حدود ۳/۵ میلیون گردشگر از سرزمین‌های اشغالی بازدید می‌کنند که ۱۰ درصد آنها گردشگران روسی هستند. توریست‌های روسی، مقام دوم سفر به سرزمین‌های اشغالی را پس از آمریکا دارند و میانگین پرواز در هر هفته، حدود ۷۰ پرواز میان رژیم صهیونیستی و روسیه است (رومی، ۱۳۹۶: ۴۷). در یک نگاه کلی، مهاجرت یهودیان روس تبار، ساختار اجتماعی رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داده و زمینه را برای فعالیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی فراهم کرده است و این افراد متأثر از عوامل فرهنگی مشترک، تأثیر قابل توجهی در نزدیکی دو دولت داشته‌اند. در این میان، آشنایی یهودیان رژیم

۱. نام یک مرکز مطالعاتی در روسیه

صهیونیستی با زبان روسی عامل کلیدی در توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی بین دو دولت به‌شمار می‌رود. بنابراین، زبان عامل مهمی در توسعه روابط مسکو - تل‌آویو محسوب می‌شود.

### روابط اقتصادی و تجاری

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مهاجرت یهودیان روس‌تبار، زمینه را برای گسترش همکاری‌های گسترده اقتصادی و تجاری فراهم آورد. در سال‌های ۱۹۹۳ - ۱۹۹۱ تجارت روسیه و رژیم صهیونیستی به محصولات کشاورزی و مواد غذایی اختصاص یافته بود و به تدریج به مبادلات در عرصه‌های فنی و صنعتی توسعه یافت. با پیشرفت فناوری و تنوع محصولات، روابط بین روسیه و رژیم صهیونیستی در زمینه‌های مختلف گسترش یافت (کولایی، ۱۳۸۱: ۳۵).

روسیه به‌طور عمده نفت خام، فلزات و سنگ‌های گرانبها را به رژیم صهیونیستی صادر می‌کند و واردات روسیه از رژیم صهیونیستی بیشتر مربوط به محصولات کشاورزی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی صنعتی است (Averbukh & Klein, 2018: 6-8).

با کشف گاز در دریای مدیترانه شمالی توسط رژیم صهیونیستی، همکاری دو دولت در زمینه استخراج و فرآوری گاز گسترش یافته است و در همین چارچوب شرکت «گازپروم» در حال استخراج و اکتشاف در این منطقه است. همچنین قرارداد همکاری تحقیقات فضایی بین تل‌آویو و مسکو بسته شده است به‌گونه‌ای که در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، ماهواره‌های رژیم صهیونیستی «عاموس<sup>۱</sup>» و «آروس<sup>۲</sup>» با موشک‌های روسی به فضا پرتاب شدند (ابوعامر، ۲۰۱۸).

همچنین، روسیه و رژیم صهیونیستی در زمینه نانو، توافقنامه‌هایی را امضا کردند و شرکت روس نانو در سرزمین‌های اشغالی به‌منظور اجرای طرح‌های مشترک فعال است. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی مرکز فناوری‌های نوین کشاورزی و داروسازی را در فدراسیون روسیه ایجاد کرده است. همچنین، رژیم صهیونیستی و روسیه گفتگوهای رسمی برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری داشته‌اند تا با حذف موانع گمرکی، روابط تجاری و اقتصادی دو دولت توسعه یابد

1. Amos  
2. Arus

(رومی، ۱۳۹۶: ۴۹ - ۴۸). در همین ارتباط، از سال ۲۰۱۷ به بعد، تجارت بین روسیه و رژیم صهیونیستی افزایش یافته است. حدود یک سوم صادرات رژیم صهیونیستی به روسیه در قالب مواد غذایی نظیر انواع میوه، سبزی و صیفی جات است. روسیه سالانه از رژیم صهیونیستی حدود ۱۵۰ هزار تن هویج خریداری می‌کند. در ژانویه ۲۰۱۷ شرکت‌های رژیم صهیونیستی پس از بازمبانی‌های دقیق از بهداشت حیوانات دامی در روسیه به ایجاد کارخانه محصولات لبنی در مسکو پرداختند (World food Moscow, 2018).

در سال‌های اخیر نیز پروژه‌های مشترک، زمینه توسعه همکاری اقتصادی و تجاری را فراهم کرده است. از جمله این پروژه‌ها: ساختن تونل موازی برای خط راه‌آهن تل‌آویو - اورشلیم، کارخانه گیاهان دارویی در «یاروسلاول» روسیه، پرورش ماهی قزل‌آلا در منطقه «کالوگو» روسیه، مرکز تحقیقات کشاورزی در مسکو و توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در رژیم صهیونیستی است (Tacc, 2016). در مجموع، توافقنامه‌های گسترده در زمینه‌های فنی، صنعتی، فناوری و اقتصادی زمینه را برای نزدیکی روسیه و رژیم صهیونیستی فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه رژیم صهیونیستی یکی از شرکای مهم اقتصادی، تجاری روسیه به‌شمار می‌رود. وابستگی روسیه به واردات از رژیم صهیونیستی، موجب شده است که روسیه به محصولات کشورهای مسلمان به‌ویژه ایران، توجه کمی داشته باشد. همچنین، رژیم صهیونیستی به دلیل محدودیت در ارسال محصولات خود به کشورهای منطقه غرب آسیا، بازار روسیه را بهترین فرصت در جهت صادرات محصولات خود می‌داند، لذا در جهت توسعه روابط اقتصادی با روسیه گام برداشته است.

#### روابط سیاسی و امنیتی

نقطه عطف روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و روسیه، نقش مهم اتحاد جماهیر شوروی در تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و مشروعیت‌بخشیدن به موجودیت آن است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حل و فصل اختلافات با امریکا یکی از اهداف مهم رؤسای جمهور روسیه بوده است و در این میان رژیم صهیونیستی نقش مهمی در دستیابی روسیه به این

1. Yaroslavl
2. Calugo

هدف بازی کرده است. بیشترین همکاری سیاسی و سطح عالی مناسبات دیپلماتیک روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره ریاست جمهوری «یلسین» بوده است که بدون توجه به غرب آسیا، توسعه روابط با رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کرد. این امر زمینه را برای حمایت‌های سیاسی دو طرف از یکدیگر در مجامع بین‌المللی فراهم آورد.

حادثه ۱۱ سپتامبر، زمینه همکاری سیاسی و امنیتی دو دولت را در زمینه مبارزه با ترسانگری (تروریسم) و افراط‌گرایی مذهبی فراهم کرد. این موضوع عمدتاً ناشی از جمعیت ۲۰ میلیونی مسلمان روسیه و تهدیدات بالقوه افراط‌گرایی این اقلیت مذهبی بوده است. درگیری روسیه با جدایی‌طلبان چچنی در طی سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ موجب رادیکالیزه شدن<sup>۱</sup> بخشی از جمعیت مسلمان و گسترش اسلام افراطی در این کشور شد. همچنین سیاست‌های مسکو در حمایت از صرب‌ها در خصوص مناطق بوسنی و کوزوو و همکاری با امریکا در سرنگونی طالبان موقعیت روسیه را میان جوامع مسلمان تضعیف کرد (کیانی، ۱۳۸۷: ۳۷۸ - ۳۷۵). با ادامه حملات تروریستی چچنی‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی روسیه و رژیم صهیونیستی همکاری جدی را آغاز کردند، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۴ نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی به آموزش مخفیانه نیروهای ضدترور روسیه پرداختند و مانورهای مشترکی در خصوص مبارزه با تروریسم اجرا کردند. بدین ترتیب، زمینه برای موافقتنامه همکاری در خصوص امنیت بین‌الملل و آموزش‌های نظامی رژیم صهیونیستی و روسیه در سال ۲۰۱۰ فراهم شد (رومی، ۱۳۹۶: ۵۳). این همکاری پیش از آن نیز در سال ۲۰۰۷ در فروش پهبادهای بدون سرنشین رژیم صهیونیستی به روسیه به‌منظور کنترل و نظارت بر چچن، نمود یافته بود (Kazoux, 2008: 5).

تحولات عربی در غرب آسیا و تحریم‌های امریکا علیه روسیه، به توسعه همکاری‌های سیاسی روسیه و رژیم صهیونیستی منجر شد. در سال‌های اخیر، سطح مناسبات عالی دیپلماتیک، توافقنامه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی و حمایت گسترده روسیه از ملاحظات

۱. نشریه سیاست دفاعی برای واژگان تروریسم واژه فارسی ترسانگری و برای واژه رادیکال و رادیکالیزم واژه تندسرشت و تند سرشتی را استفاده می‌کند.

امنیت ملی رژیم صهیونیستی در بحران‌های غرب آسیا، روابط سیاسی دو دولت را به سوی راهبردی شدن پیش برده است. در این میان، حضور نیروهای روسی در سوریه، روابط روسیه و رژیم صهیونیستی را وارد مرحله جدیدی کرد. مداخله مسکو در بحران سوریه وضعیت را برای رژیم صهیونیستی پیچیده کرد؛ به طوری که در ابتدا نگرانی‌هایی را برای رژیم صهیونیستی به وجود آورد، اما با رایزنی‌ها و ملاقات‌های دوطرف، روابط تل آویو و مسکو به ادامه همکاری به دور از تنش پیش رفت و دیدار رؤسای ستادهای کل نیروهای مسلح روسیه و رژیم صهیونیستی، به ایجاد کارگروه مشترکی برای هماهنگی اقدامات دو طرف در سوریه انجامید که برآیند آن افزایش هماهنگی‌ها و دیدارهای متعدد مقامات عالی‌رتبه روسیه و رژیم صهیونیستی با یکدیگر بود. در دیداری که در سال ۲۰۱۶ بین «نتانیا‌هو» و «پوتین» صورت گرفت، توافق‌هایی در خصوص مهاجرت یهودیان روس تبار و بازگرداندن تانک رژیم صهیونیستی که سوریه آن را در سال ۱۹۸۲ در جنگ لبنان به غنیمت گرفته و به روسیه اهدا کرده بود، انجام گرفت که بیانگر نمایش روابط دوستانه عمیق طرفین در جامعه بین‌الملل بود.

بی‌تردید، در این بین، یکی از محورهای اصلی تمام دیدارها و ملاقات‌های بین رژیم صهیونیستی و روسیه در جریان بحران سوریه، در خصوص مواضع جمهوری اسلامی ایران بوده است. طی تجربه تاریخی، رژیم اشغالگر قدس به روس‌ها نشان داده است که در ازای همکاری روس‌ها در فشار و تحریم علیه ایران، منافع روسیه در نظام بین‌الملل را تأمین می‌کنند. یکی از نمونه‌های این همکاری را می‌توان تعلیق فروش اس - ۳۰۰ به ایران توسط روسیه و در مقابل اعلام بی‌طرفی رژیم صهیونیستی در بحران اوکراین دانست (احمدی، ۱۳۹۶: ۸۳ - ۸۲). به علاوه، روسیه و رژیم صهیونیستی در همکاری با کشورهای چوچون امارات متحده عربی، ترکیه و عربستان منافع مشترک دارند که این امر خود زمینه را برای توسعه روابط سیاسی دو طرف فراهم می‌کند (Katz, 2018: 106). با توجه به توسعه روابط سیاسی بین روسیه و رژیم صهیونیستی، اختلاف اساسی میان دو دولت کم‌تر دیده می‌شود. حتی اگر طرفین دارای اهداف متفاوت باشند، این هدف‌ها متعارض یکدیگر نیستند. نمونه‌هایی از این گونه موارد را می‌توان به روشنی در تحولات بحران سوریه و برنامه هسته‌ای ایران مشاهده کرد (رومی، ۱۳۹۶: ۵۰).

در یک نگاه کلی، هدف از روابط و همکاری سیاسی رژیم صهیونیستی با روسیه، تضمین امنیت ملی رژیم صهیونیستی است. روسیه نشان داده است که در روابط و اقدامات خود در غرب آسیا ملاحظات مربوط به امنیت ملی رژیم صهیونیستی را رعایت می‌کند و اجازه نمی‌دهد تهدیدی متوجه رژیم صهیونیستی شود. از سوی دیگر و در سطح منطقه‌ای روسیه در روابط با رژیم صهیونیستی به دنبال منافع اقتصادی و گسترش حوزه نفوذ خود در غرب آسیاست و رژیم صهیونیستی نشان داده است که روسیه را در تحقق این هدف حمایت می‌کند. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر بحران سوریه، جنگ چچن، بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه، مسکو و تل‌آویو را به هماهنگی و همگرایی سیاسی بیشتر سوق داده است.

#### سیاست روسیه در غرب آسیا

روسیه در نقش قدرت فرمانطقه‌ای، توجه بسیاری به منطقه راهبردی غرب آسیا دارد. توجه روسیه به این منطقه به دوره تزارها برمی‌گردد. مهم‌ترین هدف روسیه در این دوره، کنترل تنگه‌های دریای سیاه و انضمام قسطنطنیه بود (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). بعد از انقلاب «بلشویکی»، شوروی به منظور مقابله با غرب در منطقه و نگرانی از بنیادگرایی اسلامی به نقش فعال در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی در غرب آسیا پرداخت. اتحاد جماهیر شوروی در جهت مقابله با نفوذ غرب به همکاری با کشورهای مسلمان مخالف سرمایه‌داری پرداخت و در این چارچوب موافقتنامه‌هایی در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی با دمشق، مصر، بغداد و الجزایر امضا کرد و در این راستا به ارسال تجهیزات نظامی و مشاوران نظامی به این کشورها پرداخت و اقدام به ساختن دولت‌هایی در منطقه کرد که از نظر اقتصادی و سیاسی به شوروی وابسته بودند (Gaub & popescu, 2018: 14).

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ روسیه در غرب آسیا کاهش یافت که دلیل این موضوع را می‌توان آشفته‌گی‌های سیاسی و اقتصادی داخلی در روسیه و جهت‌گیری‌های غربی دیپلماسی روسیه تحت رهبری «یلتسین» دانست. از یک سو، بحران‌های سیاسی و اقتصادی داخلی در دهه اول بعد از فروپاشی باعث کاهش توجه مقامات روسیه به غرب آسیا شد و از سوی دیگر ایدئولوژی جدید نخبگان فدراسیون روسیه با همکاری سیاسی و اقتصادی در غرب آسیا سازگاری نداشت و کشورشان را بخشی از دنیای غرب می‌دانستند و لذا غرب آسیا



برای روسیه از اهمیت ثانویه برخوردار بود. ولی رژیم صهیونیستی در این دوره به طور قابل توجهی روابطش را با مسکو بهبود بخشید. در سال ۱۹۹۵ روسیه و امریکا توافقنامه محرمانه‌ای را به امضا رساندند که طبق آن روسیه همکاری‌های نظامی با ایران را متوقف می‌کرد. در عمل به این توافقنامه، در سال ۱۹۹۸ مسکو از تأسیس راکتور تحقیقاتی تهران منصرف شد (Kozbanov, 2017: 102).

به قدرت رسیدن «ولادیمیر پوتین» در سال ۲۰۰۰ و رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زمینه‌ای شد که روسیه به طرق مختلف به ایفای نقش فعال در امور گوناگون غرب آسیا بپردازد. ناکامی‌های امریکا در جنگ با عراق، درگیری‌های داخلی میان گروه حماس و فتح در فلسطین و تنش‌های شدید رژیم صهیونیستی با فلسطینیان و... موجب شد که روسیه نگاه دیگری به غرب آسیا داشته باشد. در این چارچوب، روسیه با ابراز نگرانی از اوضاع غرب آسیا، آمادگی خود را جهت حل مناقشات غرب آسیا اعلام نمود. در همین ارتباط، از سرگیری مذاکرات میان رژیم صهیونیستی و فلسطین در جهت ثبات در منطقه خودگردان فلسطین، حل تنش‌های میان سوریه و رژیم صهیونیستی و راه‌حلی در جهت آشتی ملی در عراق با مشارکت تمامی گروه‌های سیاسی، مذهبی، سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه را در این مقطع شکل می‌دادند (اظهري، ۱۳۹۰: ۳۸).

اما با روی کار آمدن «مدودف» سیاست خاورمیانه‌ای روسیه تغییر یافت. غرب آسیا در سیاست خارجی «مدودف»، در اولویت پنجم قرار داشت. در واقع، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه متأثر از روابط با غرب قرار گرفت؛ به گونه‌ای که مسکو با قطعنامه‌های پیشنهادی امریکا علیه فعالیت هسته‌ای ایران موافقت کرد و همچنین از تحویل اس ۳۰۰ به ایران امتناع نمود. در چارچوب تعاملات با غرب، روسیه به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیربنایی منابع طبیعی و نظامی متوجه افغانستان شد و امریکا نیز در این راستا از روسیه حمایت کرد (دیلمی معزی، ۱۳۸۹: ۹۹ - ۹۸).

اما از سال ۲۰۱۲ ماهیت تعامل روسیه با غرب آسیا تغییر کرد و پس از انتخاب مجدد «ولادیمیر پوتین» برای سومین دوره، مسکو حضور خود را در منطقه افزایش داد. این حضور بیشتر ناشی از اختلاف با امریکا و اتحادیه اروپا در قضیه سوریه و اوکراین بود. تنش‌ها با غرب

و تلاش برای نفوذ در مناطق راهبردی، روسیه را وادار به تغییر تمرکز خود از غرب به کشورهای غیر اروپایی از جمله غرب آسیا کرد. پوتین در دسامبر ۲۰۱۴ همکاری با کشورهای غرب آسیا را به عنوان یکی از اولویت‌های دیپلماسی روسیه اعلام کرد. هدف اصلی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در روابط با کشورهای غرب آسیا، استفاده از این کشورها به عنوان اهرمی بود که بر رفتار امریکا و اتحادیه اروپا نسبت به روسیه تأثیر بگذارد (Kozhanov, 2018: 12-30). با شروع بحران‌های عربی در غرب آسیا، روسیه سعی نمود تا سیاست‌های متناسبی که متضمن حفظ منافع آن کشور است، به کار گیرد. در این رویکرد، مؤلفه‌های مختلفی چون امنیت (حفظ و ثبات در مرزهای مشترک با کشورهای غرب آسیا، جلوگیری از اسلام‌گرایی افراطی)، ژئوپولیتیک (تشکیل یک بلوک قدرت در برابر امریکا در منطقه) و اقتصاد (کنترل بازار و امنیت انرژی) مورد نظر بوده است. ایفای نقش روسیه در تحولات عربی غرب آسیا را می‌توان حرکت به سمت احیای جایگاه تضعیف‌شده این کشور در غرب آسیا و بازگشت به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای دانست. اما به دلیل بحران‌های داخلی کشورهای عربی و عدم پیوند سیاسی - اقتصادی قوی با رهبران این کشورها، روسیه تمایلی به مداخله مستقیم نداشت (کیانی و خان‌محمدی، ۱۳۹۶: ۳۴۷ - ۳۴۵). با این وجود، عوامل مختلفی در مداخله نظامی و سیاسی روسیه در سوریه تأثیرگذار بوده است.

عامل نخست، مبارزه علیه گروه‌های تروریستی بود؛ چراکه روسیه نگران ظهور افراط‌گرایی اسلامی در درون مرزهای خود و منطقه خارج نزدیک بود. این موضوع در حالی بود که تا سال ۲۰۱۵ حدود ۷۰۰۰ نفر از روسیه و کشورهای پسا شوروی به داعش پیوستند که بیشتر آنها از مناطق داغستان، چچن و قفقاز روسیه بودند (Lavrrov, 2018: 47).

عامل تأثیرگذار دیگر در زمینه مداخله روسیه وجود منافع نظامی مهم این کشور در سوریه بود. در این خصوص، فروش تسلیحات نظامی و در اختیار داشتن بندر «طرطوس» سوریه در مدیترانه از منافع مهم روسیه به شمار می‌آید. به این دلیل که حضور نظامی مؤثر در دریای مدیترانه و خلیج عدن از اهداف راهبردی روسیه محسوب می‌شود و بندر «طرطوس» تنها راه دستیابی به این هدف تلقی می‌شود. بر همین اساس، مسکو تسلیحات نظامی از قبیل اس ۳۰۰ و جنگنده‌های میگ ۳۱ را در اختیار سوریه قرار داد. افزون بر منافع نظامی و امنیتی، منافع اقتصادی

روسیه در سوریه را نمی‌توان نادیده گرفت. روسیه در زمینه انرژی و تجهیزات زیرساختی، مناسبات تجاری با ارزشی با سوریه دارد؛ به گونه‌ای که شرکت روسی «گازپروم» قراردادهایی در زمینه احداث کارخانه فرآوری گاز و انتقال خط لوله نفت با سوریه بسته است. بنابراین، مهم‌ترین عامل حضور روسیه در بحران سوریه، وجود منافع سیاسی و راهبردی این کشور در منطقه است (شیخ‌الاسلامی و بیگی، ۱۳۹۲: ۱۵۷ - ۱۵۲). هرچند بازیابی پرستیژ از دست‌رفته، نقش‌آفرینی در معادلات منطقه غرب آسیا و مقابله با یکجانبه‌گرایی امریکا نیز در مداخله روسیه در سوریه مؤثر بوده است.

در یک نگاه کلی، می‌توان بیان نمود روسیه براساس منافع خود به حمایت یا عدم حمایت از دولت‌های منطقه پرداخته است. در این زمینه سه عامل ژئوپولیتیکی، اقتصادی و امنیتی در رهیافت راهبردی روسیه نسبت به غرب آسیا تأثیرگذار بوده است. در حوزه ژئوپولیتیکی، اولویت روسیه مقابله با غرب و یکجانبه‌گرایی امریکا و ارتقای اعتبار بین‌المللی و نمایش قدرت در جهان است و در حوزه اقتصادی، ادامه فروش تسلیحات نظامی و گسترش روابط تجاری بر محور انرژی مدنظر روسیه می‌باشد. آنچه که هدف روسیه در حوزه امنیتی است، جلوگیری از اسلام‌گرایی افراطی در قفقاز و چین است. به نظر می‌رسد این ملاحظات روسیه را وادار تا در آینده در ترسیم تحولات غرب آسیا نقش‌آفرینی کند.

#### چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد منافع در سوریه

با آغاز بحران سوریه، در نظام حکومتی رژیم صهیونیستی بحث‌های شدیدی درخصوص اینکه موضع تل‌آویو درمورد این بحران چگونه باید باشد، صورت گرفت. از نگاه رژیم صهیونیستی، سقوط بشاراسد، موجب تضعیف ایران و محور مقاومت در منطقه می‌شود. بر همین اساس، رژیم صهیونیستی موضع روشنی درخصوص کناره‌گیری بشاراسد از قدرت گرفت. با تقویت نقش جمهوری اسلامی ایران در رویارویی نظامی، مواضع رژیم صهیونیستی هم شروع به تغییر کرد. این تغییر با آغاز عملیات روسیه در سوریه در پاییز ۲۰۱۵ آغاز شد. رژیم صهیونیستی امیدوار بود که ورود روسیه به بحران سوریه مانعی برای دمشق و جمهوری اسلامی ایران باشد، زیرا رژیم صهیونیستی، خواهان پیروزی نیروهای مخالف در سوریه و عدم موفقیت نیروهای ایران و بشاراسد بود. اما، سرنگونی بشاراسد خط قرمز مسکو بود و لذا رژیم

صهیونیستی با عدم دخالت در بحران سوریه و صرف نظر از خط‌مشی تغییر دولت بشاراسد، ثابت کرد که از خط قرمز عبور نخواهد کرد (برمین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۴).

اما قبل از مداخله نظامی نیروی هوایی روسیه در سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵، توافقی‌هایی میان فرماندهان و سران مسکو و تل‌آویو صورت گرفت تا رژیم صهیونیستی از قدرت مانور زیادی جهت عملیات‌های نظامی علیه نیروهای ایرانی در خاک سوریه برخوردار شود. این هماهنگی در حالی انجام پذیرفت که همکاری روسیه و رژیم صهیونیستی در نبردهای نظامی تا قبل از بحران سوریه سابقه تاریخی نداشته است (رومی، ۱۳۹۶: ۵۹).

همچنین توافقی درخصوص جلوگیری از رویارویی تصادفی میان نیروهای روسی و رژیم صهیونیستی با ایجاد یک مرکز هماهنگی ویژه حاصل شد. براساس همین توافق، رژیم صهیونیستی از آزادی گسترده عملیاتی در خاک سوریه به‌منظور حفظ امنیت ملی خود برخوردار شد (خبرگزاری اسپوتینک، ۲۰۱۹).

همکاری مسکو - تل‌آویو در شرایطی درحال گسترش بود که جمهوری اسلامی ایران و روسیه از آغاز بحران سوریه در جهت جلوگیری از سقوط نظام سوریه و بشاراسد و مقابله با نفوذ غرب در منطقه و جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی افراطی به همکاری و هماهنگی سیاسی و عملیاتی با یکدیگر پرداختند (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۸۱ - ۸۰).

به تدریج با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در سوریه و تثبیت دولت بشاراسد، مواضع رژیم صهیونیستی تغییر کرد و باتوجه به نقش مهم روسیه در بحران سوریه، رژیم صهیونیستی روسیه را به محدود کردن سیاست‌های تهران در سوریه واداشت؛ به‌گونه‌ای که روسیه از مواضع ایران تاحدی فاصله گرفت و متعاقباً محدودیت‌ها و دشواری‌های متعددی را برای ایران در سوریه ایجاد نمود. به‌طور کلی، چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد اهداف و منافع خود در سوریه را می‌توان به تفکیک در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد تحلیل قرار داد.

## چالش‌های فراوی اهداف سیاسی - نظامی

## حضور سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه

با وقوع بحران در سوریه در ژانویه ۲۰۱۱، ایران به دو دلیل عمده و در پی درخواست رسمی دولت سوریه، به کمک متحد راهبردی خود شتافت: نخست، افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای؛ دوم، حفظ محور مقاومت. در این راستا، کمک‌ها در مرحله اولیه به صورت حضور مستشاری و سپس به شکل حضور نظامی انجام گرفت (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۷۹). همچنین، ایران با ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی در سوریه بر پایه مدل بسیج ایران، تلاش نمود تا در آینده نیز به اعمال نفوذ در این کشور بپردازد (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

خروج نیروهای امریکایی مستقر در سوریه منجر به نگرانی‌های جدی برای رژیم صهیونیستی در زمینه افزایش قدرت ایران شد. حضور نیروهای ایرانی در مرزهای جنوب غربی سوریه (جولان) در اوایل سال ۲۰۱۸ به افزایش درگیری‌ها بین رژیم صهیونیستی و این نیروها منجر شد. همچنین نفوذ ایران میان نظامیان و مراکز تصمیم‌گیری سوریه نگرانی‌های شدید مسکو و رژیم صهیونیستی را فراهم ساخت. با توجه به اینکه روسیه همواره تمایل دارد تصمیم‌گیرنده نهایی در سوریه باشد، لذا تضعیف نسبی مواضع سیاسی و نظامی تهران در سوریه در دستورکار سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. در همین راستا، روسیه توانست کاهش حضور تشکیلات طرفدار ایران را در شعاع مشخصی از مرز رژیم صهیونیستی تضمین کند و نیروهای جمهوری اسلامی ایران را از عملیات نظامی در جنوب شرقی سوریه کنار بگذارد. بدین ترتیب، نیروهای ایران ۸۵ کیلومتر از مرز رژیم صهیونیستی فاصله گرفتند (برمین، ۲۰۱۸: ۴).

مسکو همچنین اقداماتی جهت محدود کردن نفوذ «ماهر اسد»، برادر بشار اسد، که حامی ایران است، انجام داد. ماهر اسد رهبری گروهی از نیروهای نظامی سوریه را که وابسته به ایران هستند، برعهده دارد. در این راستا روسیه ابتکاراتی را در جهت بازسازی نهاد نظامی و تقویت شبکه افسران وفادار به خود انجام داد. درگیری‌های بین نیروهای ماهر اسد و نیروهای وابسته به روسیه به رهبری سهیل حسن که در ماه‌های نخست ۲۰۱۹ اتفاق افتاد، در همین چارچوب قابل تحلیل است (تابناک، ۱۳۹۷).

علی‌رغم اقدامات محدودیت‌زای روسیه، این کشور بنا به دلایل سیاسی و نظامی توانایی اخراج کامل نیروهای ایران را ندارد. در واقع، مبارزه با نفوذ غرب و مقابله با افراط‌گرایی اسلامی در سوریه، دو عامل مهمی هستند که تداوم همکاری‌های روسیه و ایران را تضمین می‌کند، اما با این وجود، روسیه در چارچوب سیاست موازنه‌سازی در منطقه بین ایران و رژیم صهیونیستی، مسئولیت کنترل نیروهای ایرانی حاضر در مناطق سوریه را برعهده گرفته و در این راستا محدودیت‌هایی را برای نیروهای ایرانی در سوریه ایجاد کرده است.

#### ایجاد پایگاه و مراکز نظامی

جمهوری اسلامی ایران با ایجاد پایگاه‌های نظامی و مراکز آموزشی به آموزش گروه‌های شبه‌نظامی و استقرار تجهیزات و نیروهای خود در سوریه پرداخته است. مقامات رژیم صهیونیستی طی دیدارهایی که از روسیه داشتند، با تثبیت پایگاه نظامی ایران در سرتاسر سوریه مخالفت نمودند و تلاش کردند با تحت فشار قرار دادن روس‌ها مانع حضور دائمی پایگاه‌های نظامی ایران در سوریه شوند. در همین رابطه، مسکو ضمن کاهش حضور پایگاه‌های نظامی ایران در شعاع مشخصی از مرز رژیم صهیونیستی، از ایجاد پایگاه دریایی ایران در طرطوس ممانعت کرد (برمین، ۲۰۱۸: ۳). همچنین ضمن توافقی که بین پوتین و «نتانیا‌هو» در حاشیه کنفرانس تغییرات آب و هوایی در پاریس صورت گرفت، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی طی حملات مکرر، پایگاه‌های نظامی و مراکز آموزشی ایران را مورد حمله قرار دادند. این در حالی است که حفاظت از حریم هوایی دمشق برعهده سامانه‌های دفاع ضد‌هوایی و رادارهای روسی است (رومی، ۱۳۹۶: ۶۰). علی‌رغم اقدامات روس‌ها، به دلیل اینکه حضور ایران به درخواست رسمی دولت سوریه بوده است، لذا مسکو اهرم‌های سیاسی کمی برای محدود کردن کامل پایگاه‌های نظامی و مراکز آموزشی ایران در سوریه دارد، اما تا زمانی که این پایگاه‌ها منافع کشورش و رژیم صهیونیستی را تهدید نمی‌کند، مانع از حضور آنها نخواهد شد.

#### انتقال تسلیحات نظامی به لبنان

دستیابی حزب‌الله لبنان به تسلیحات پیشرفته ایران در جهت ارتقای راهبردی و نظامی خود، از چالش‌ها و تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود. لذا انتقال تسلیحات به لبنان

از طریق سوریه نگرانی‌هایی را برای رژیم صهیونیستی به وجود آورده است. در همین رابطه، مسکو با محدود کردن حضور نیروهای ایران در مرزهای جنوب غربی سوریه تا حدودی مانع از انتقال سلاح به حزب الله لبنان شده است (Murciano, 2017: 5-7).

همچنین، مسکو به رژیم صهیونیستی آزادی عمل گسترده‌ای در برخورد با موضوعاتی که امنیت رژیم صهیونیستی را مورد تهدید قرار می‌دهند، داده است. بنابراین، نسبت به عملیات نظامی رژیم صهیونیستی به کاروان‌هایی که سلاح و تجهیزات نظامی برای حزب الله لبنان ارسال می‌کنند، عکس‌العملی نشان نداده و سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ در سوریه برای این حملات مانعتی برای رژیم صهیونیستی ایجاد نکرده است (برمین، ۲۰۱۸: ۴ - ۳). به نظر می‌رسد تهدید رژیم صهیونیستی خط قرمز روسیه در بحران سوریه است و روسیه این اطمینان را به رژیم صهیونیستی داده است تا از ارسال سلاح‌های خود و ایران به حزب الله لبنان جلوگیری به عمل آورد.

### چالش‌های فراروی اهداف اقتصادی

#### دسترسی به بنادر راهبردی سوریه

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تحریم‌های امریکا، در پی ایجاد راه مخصوص خود به سمت اروپا است و در این چارچوب سواحل دریای مدیترانه بهترین مکان برای انجام فعالیت‌های مستقل تجاری ایران است. از این رو، اقداماتی برای دستیابی به بندرهای «طرطوس» و «لاذقیه» در سوریه انجام داد. در این خصوص، روسیه به دو دلیل عمده به مخالفت با جمهوری اسلامی ایران پرداخت: نخست، فشار رژیم صهیونیستی به روسیه مبنی بر اینکه اقدام ایران در جهت ایجاد پایگاه دریایی بوده و این امر زمینه را برای تقویت حزب الله و کاهش مسافت موشک‌های ایرانی به سمت رژیم صهیونیستی فراهم می‌کند؛ دوم، مخالفت روسیه از دستیابی ایران به بازار انرژی اروپاست؛ چراکه انحصار صادرات نفت و گاز از راه سوریه از مهم‌ترین اهداف حضور روسیه در بنادر سواحل مدیترانه است (مارژتسکی، ۱۳۹۸).

در سال ۲۰۱۷ نیز ایران خواستار مجوز ۱۰۰۰ هکتار زمین در شهر ساحلی طرطوس به منظور ایجاد یک بندر نفت و گاز شد. با توجه به نزدیکی این منطقه به پایگاه روسیه در منطقه، مسکو مانع از تحقق این درخواست شد. این در حالی است که ایران مدیریت بندر لاذقیه را

طی توافق رسمی برعهده گرفت تا از این طریق بتواند نفت و گاز خود را به اروپا صادر کند. با حضور نیروهای ایران در سواحل لاذقیه، حملات رژیم صهیونیستی بدون ممانعت سامانه دفاع موشکی روسیه شدت یافت (میبد، ۱۳۹۸).

درواقع، روسیه، حضور در سواحل مدیترانه را بخشی از امنیت خود و رژیم صهیونیستی می‌داند. از این رو محدودیت‌هایی را برای حضور جمهوری اسلامی ایران در بندر لاذقیه و طرطوس به وجود آورده است. علی‌رغم نگرانی رژیم صهیونیستی از راه‌اندازی خط ریلی ایران، عراق و سوریه، این احتمال می‌رود که روسیه با تحت فشار قراردادن بشاراسد از راه‌اندازی این خط ریلی نیز جلوگیری به عمل آورد.

#### مشارکت در بازسازی و سرمایه‌گذاری در سوریه

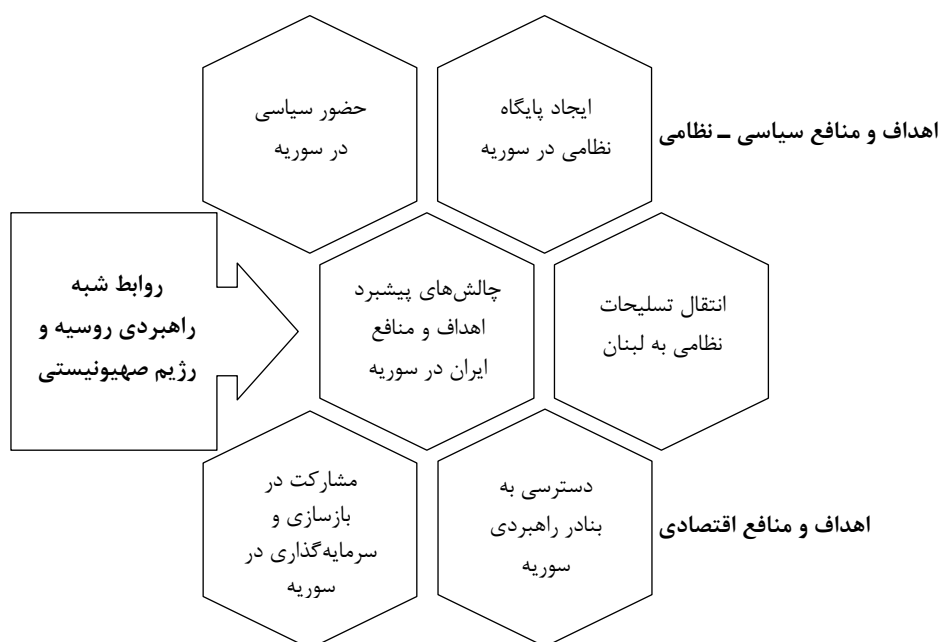
جمهوری اسلامی ایران جهت حفظ بشاراسد، هزینه‌های مالی و جانی زیادی را در سوریه پرداخت کرده است. لذا برای ایفای نقش در آینده سوریه و برگرداندن هزینه‌ها، درصدد حضور در روند بازسازی این کشور است. از این رو، بازسازی سوریه با مشارکت ایران نگرانی‌هایی را برای رژیم صهیونیستی مبنی بر نفوذ ایران در مناصب مدیریتی و سیاسی سوریه به وجود آورده است.

در این میان، روابط راهبردی روسیه و رژیم صهیونیستی موانع و چالش‌هایی را فراروی حضور ایران در بازسازی سوریه ایجاد کرده است. فشار رژیم صهیونیستی بر روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر اجرای تحریم‌های شدید، تأثیرات منفی بر سرمایه‌گذاری اقتصادی ایران در سوریه گذاشته است. در واقع، اقتصاد ضعیف ایران سرمایه‌گذاری جهت بازسازی سوریه را با مشکل مواجه ساخته است. علاوه بر این، کاهش ارزش ریال نیز در بازار ارز بین‌المللی منجر به کاهش شدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سوریه شد. همچنین امریکا و اتحادیه اروپا اعلام نمودند تا زمانی که ایران در سوریه حضور دارد، در بازسازی سوریه حضور پیدا نمی‌کنند. ایران در سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و کشاورزی نیز کم‌تر موفق بوده و پروژه‌های حیاتی و سودآور به شرکت‌های روسی واگذار شده است (Hatahet, 2019: 11-20).

به‌طور کلی، بنابر توافق بین روسیه و سوریه، ایران و شرکت‌های متبوعه تا حدود زیادی از فرایند سرمایه‌گذاری و بازسازی در کشور سوریه کنار گذاشته شده‌اند و حتی دولت سوریه و



روسیه کنسرسیومی را تشکیل دادند که اگر ایران بخواهد در فرایند بازسازی سوریه مشارکت کند، نیاز به مذاکره با روس‌ها را دارد (رومی، ۱۳۹۶: ۶۵). در یک نگاه کلی می‌توان بیان داشت باتوجه به فشار قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر دولت دمشق و تهران، مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی سوریه تا حدود زیادی تعلیق شده و تقریباً تمام قراردادهایی که تاکنون برای بازسازی صورت گرفته، هنوز عملیاتی نشده است.



شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

### نتیجه‌گیری

در عرصه سیاست جهانی و در حوزه روابط بین‌الملل کشورها همواره برای تأمین امنیت خود با اتخاذ سیاست توازن قوا به توسعه روابط خود با دیگر کشورها می‌پردازند. بنابراین، تقریرهای «والتز»، «والت» و «میرشایمر» به‌عنوان نمایندگان نواقح‌گرایی برای بررسی این موضوع در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. براساس این رویکرد، مقاله حاضر بر این مبنا بنیاد نهاده شده است که در نظام بین‌الملل «آنارشیک»، روسیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری

اسلامی ایران به موازنه‌سازی در برابر تهدیدات خود پرداخته‌اند. از منظر نظریه‌پردازان توازن قوا، برداشت کشورها از یکدیگر به‌عنوان تهدید و ترس، موجب روی آوردن آنها به سیاست موازنه قوا و موازنه‌سازی می‌شود. در همین چارچوب، رژیم صهیونیستی که همواره جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان دشمن و تهدید جدی خود در منطقه در نظر می‌گیرد، جهت موازنه‌سازی در قبال سیاست‌های ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. بر همین اساس، با وقوع بحران سوریه و تهدید رژیم صهیونیستی از سوی جبهه مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران، نزدیکی راهبردی بین مسکو و تل‌آویو گسترش یافت. رژیم صهیونیستی تلاش کرده است با وفادار نگه داشتن روسیه به خود، رعایت خطوط قرمز خود را در سوریه از طریق همکاری نزدیک با آن تأمین کند.

نیاز رژیم صهیونیستی به روسیه در بحران سوریه، فرصتی را برای روسیه در حل و فصل اختلافات با آمریکا در تلاش برای ایجاد توازن قوا در مدیریت امور جهانی به‌وجود آورد. با نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، نگرانی‌هایی برای روسیه و رژیم صهیونیستی به‌وجود آمد. از یک سو، رژیم صهیونیستی نگران افزایش نفوذ ایران در سوریه و تقویت جبهه مقاومت و حزب‌الله لبنان در منطقه است و از سوی دیگر روسیه نسبت به آینده سوریه، به‌خاطر نفوذ مدیریتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور و متعاقباً به حاشیه‌رفتن جایگاه خود در هراس است. در راستای غلبه بر این نگرانی‌ها سطح مناسبات مسکو و تل‌آویو در سال‌های اخیر گسترش یافته و دو طرف با امضای توافق‌نامه‌های جدید، چالش‌هایی را فراروی پیشبرد اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه ایجاد کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به موانع و محدودیت‌های حضور نیروهای سیاسی و نظامی ایران، ایجاد پایگاه و مراکز نظامی، انتقال تسلیحات نظامی به لبنان، حضور در عرصه بازسازی و سرمایه‌گذاری در سوریه و دسترسی به بنادر راهبردی این کشور اشاره کرد.

این در حالی است که ایران از شرکای اقتصادی، سیاسی و نظامی روسیه در غرب آسیاست. تهدید دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه از سوی آمریکا در منطقه، باعث قرارگرفتن روسیه و جمهوری اسلامی ایران در یک محور به‌منظور موازنه‌سازی با محور رقیب به رهبری آمریکا در سوریه شده است. با توجه به نیاز روسیه به نیروهای نظامی ایران در بحران

سوریه و سابقه همکاری اقتصادی با ایران، روسیه سعی در حفظ رابطه با ایران در منطقه دارد و ضمن رد هرگونه اتحاد کامل با جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، از هر دو دولت جهت دستیابی به اهداف خود بهره می‌گیرد. تلاش رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران جهت ایجاد هژمونی در منطقه غرب آسیا، زمینه سیاست موازنه‌سازی از سوی روسیه را فراهم کرده است تا از ظهور یک هژمون منطقه‌ای جلوگیری کند.

درواقع روسیه به دنبال بهره‌برداری از تنش‌های منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی جهت دستیابی به اهداف و تقویت جایگاه خود در منطقه است. در همین چارچوب، از یک سو مسکو در راستای مبارزه با گروه‌های تروریستی در سوریه به همکاری نظامی با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و از سوی دیگر به رژیم صهیونیستی اجازه عملیات گسترده علیه نیروهای ایرانی می‌دهد. در بحران سوریه، روسیه هم‌زمان با توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی، به حفظ رابطه خود با جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. ایران با تداوم همکاری در زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی با روسیه، ضمن ارتقای توانایی و ظرفیت‌های خود در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی، تلاش می‌کند تا از محدودیت‌هایی که روسیه در منطقه غرب آسیا برایش ایجاد می‌کند عبور کند. به‌طور کلی، می‌توان گفت نتیجه مجموعه سیاست‌ها و اقدامات دولت‌های مورد بحث در این منطقه، ایجاد موازنه قدرت و جلوگیری از موفقیت سیاست هژمون‌گرایی هر کدام از قدرت‌های درگیر در این منطقه در سطوح مختلف است.

## منابع

## فارسی

۱. احمدی، وحید (۱۳۹۶)، روابط روسیه و اسرائیل و جایگاه مقاومت در معادلات روس، مطالعات راهبردی، ش ۶۱: ۸۱ - ۸۸
۲. اطهری، اسدالله (۱۳۹۰)، روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۴، ش ۱۷: ۳۴ - ۶۴.
۳. برجیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران: نشر میزان.
۴. پیرزاد، پرویز (۱۳۹۴)، چرا کمونیسم به پیکار صهیونیسم بر نخاست، ماهنامه عصر اندیشه، سال دوم، ش ۹.
۵. چگینی‌زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، موازنه قوا و روابط راهبردی چین با ایالات متحده امریکا، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، ش ۴: ۲۲۷ - ۲۶۳.
۶. دیلمی معزی، امین (۱۳۸۹)، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه در دهه اول قرن ۲۱، فصلنامه ایراس، سال پنجم، ش ۶: ۸۱ - ۱۰۲.
۷. رومی، فرشاد (۱۳۹۶)، چشم‌اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۵، ش ۱۰۰: ۳۹ - ۷۳.
۸. سهرابی، محمد (۱۳۹۳)، سیاست روسیه قبل و بعد از بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، ش ۷۱: ۱۰۱ - ۱۲۱.
۹. سیمبر، رضا و قائمیان، روح‌الله (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، ش ۹: ۱۴۳ - ۱۷۸.
۱۰. سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و تنوع جدید موازنه قوا، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال اول، ش اول: ۳۳ - ۵۱.
۱۱. شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و بیکی، میثم (۱۳۹۲)، واکاوی نقش‌آفرینی و سیاست‌های فدراسیون روسیه در قبال بحران سوریه، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۶، ش ۲۰: ۱۳۷ - ۱۶۶.
۱۲. عزیزی، حمیدرضا و نجفی، مصطفی (۱۳۹۷)، آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۹، ش ۲: ۶۷ - ۹۷.
۱۳. کولایی، الهه (۱۳۸۱)، توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۷: ۱۱ - ۵۶.

۱۴. کیانی، داود و خان‌محمدی، زهره (۱۳۹۶)، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از ۲۰۱۵ - ۲۰۱۱ (باتأکید بر کشورهای عربی)، مطالعات اوراسیای مرکزی، ش ۲: ۳۴۱ - ۳۵۸.
۱۵. فریدمن، رابرت (۱۳۷۵)، روابط روسیه و اسرائیل پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ترجمه لیلا سازگار، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۰۵ و ۱۰۶: ۶۴ - ۷۲.
۱۶. گریفیتس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۷. مارژستکی، سرگئی (۱۳۹۸)، خطرات و منافع ورود ایران به دریای مدیترانه، ترجمه کامران هوشیار، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا [www.iras.ir](http://www.iras.ir).
۱۸. مبد، سامی (۱۳۹۸)، پایگاه ایران در ۳۰۰ کیلومتری سواحل فلسطین اشغالی، ترجمه طلا یتیمی، دیپلماسی ایرانی [irdiplomacy.ir](http://irdiplomacy.ir).
۱۹. متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ودوم، ش ۶۷، تابستان: ۱۹۲ - ۱۶۵.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: سمت.
۲۱. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، ش ۱: ۱۵۸ - ۱۳۱.
۲۲. والتز، کنث (۱۳۸۲)، واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: ابرار معاصر.
۲۳. خبرگزاری اسپوتنیک (۲۰۱۹)، به مناسبت ملاقات رهبران روسیه و اسرائیل، مواضع دو کشور درخصوص موضوع سوریه مورد بررسی قرار گرفت، قابل دسترسی در: [www.irspatnik news.com/world/2.19.227449.762](http://www.irspatnik news.com/world/2.19.227449.762)
۲۴. خبرگزاری تابناک (۱۳۹۷/۱۲/۱۷)، «درگیری میان نیروهای تحت حمایت ایران و روسیه در سوریه» قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/883947>
- عربی**
۱. ابوعمار، عدنان (۲۰۱۸)، العلاقات الروسية الإسرائيلية، المصالح المشتركة و التحالف الاستراتيجی، قابل دسترسی در: <http://adanaabuamer.com/post/11>
۲. احمدحمام، می‌یاسر (۲۰۱۷)، العلاقات الروسية الإسرائيلية فی عهد بوتین فی الفترة من ۲۰۰۰ - ۲۰۱۶، قابل دسترسی در: <https://democraticac.de/?p=48190>
۳. رمان، سمیر (۲۰۱۷)، العلاقات الروسية - الإسرائيلية، مرکز حرمون للدراسات المعاصرة، قابل دسترسی در: <https://harmoon.org>
- انگلیسی**
1. Anton, Lavrov (2018). "Russian Syria: a military analysis", Institute for security studies European union, No.146, p.47-56.

2. Florence, Gaub and Nica popescu (2018). "The soviet union in the middle east ;an overview",Institute for security studies European union, No.146, p.13-20.
3. Gil, murciana (2017). "Israel vis-a-vis iran in Syria:The perils of Active containment",German Institue for international and security Affairs.
4. Griffiths,Martin (1992). "Realism,Idealism and international politics", newyork and London,routledge.
5. Isabella, Ginor, Gideon remez (2017). "soviet-Israeli war 1967-1973",Oxford university press.
6. Lidia, Averbukh and Margaret Klein (2018). " Russia-Israel relationship transformed by Syria conflict,stiftung wissenschaft and politik",No.37, pp. 1-8.
7. Markn. Katz (2018). "Russia and Israel:an improbable friendship issue",European union institute for security studies. No.146, pp. 103-108.
8. Nikolay, Kazhanov (2017). "Russion foreign policy in the middle east:new challenge for western interests?",DGAP, pp. 101-125.
9. Nikolay, Kazhanov (2018). "Russion policy across the middle east motivations and methods",The royal institute of international affairs, pp.1-34.
10. Pierre, Kazoux (2008). "The key under standing the Israel-Russia relationship", research division-Nato defense college, No.42, pp. 1-8.
11. Rudyard, Kazan (2004). "Tha Israeli-soviet/Russian relation",Defense magazine, No.48, pp.195-220.
12. Sinan, Hatahet (2019). "Russia and Iran:economic influence in Syria",The Royal Institute of international affairs, pp. 1-20.
13. T.P.Moshkova (2018). "Russion-Israeli relation:The role of the Russion-speaking community of the state of Israel", Vestnik RUDN. International Relations, Vol. 18, No.18, pp. 387-399.
14. Waltz, Kennetnn (1979). "Theory of international politics", Addison-Wesley
15. World food Moscow (2018). "case study Israeli produce Russia" www.world-food.ra
16. Wieclawski, j.(2011)."contemporary realism and the foreign policy of the russian federation", International journal of business and social science, Vol. 2, No.1, pp. 170-179.

#### روسی

1. А.Д. Эпштейна и Р.Р. Сулейманов. (2008)."История и исторграфия российско-израильских отношений"Екатеринбург издательство уральского университета
2. РИАНовости, (2019). Межгосударственные отношения России и Израила, 27 февраля- www.ria.ru/20190227/1551369085.html
3. Тасс,(2016). Российско-израильские отношения. Досье - Биографии и справки www.tass.ru/info/4911115.html
4. Юрий Бармин,(2018)."Россия и Израиль: ближневосточное измерение отношений", Российский совет по международным делам , No.42, pp.1-4.